

تقدیم به،
پاکانی که مرا از آسمان به زمین آوردند
و
خوبانی که مرا از زمین به آسمان بردند.



علوم اجتماعی

SOCIAL SCIENCES

جابری مقدم، مرتضی هادی
شهر و مدرنیته / نویسنده مرتضی هادی جابری مقدم؛ با مقدمه ای از سیدمحسن حبیبی، شهرام
پازوکی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، فرهنگستان هنر جمهوری
اسلامی ایران، ۱۳۸۴.
۳۴۴ ص، جدول، نمودار.

ISBN 964-422-708-9
City and Modernity

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
پشت جلد به انگلیسی:
کتابنامه ۱ ص. ۳۳۳-۳۳۷.

۱. شهرها و شهرستان ها. ۲. جلد ۳. شهرسازی- ایران. ۴. شهرنشینی. ۵. شهرها و شهرستان ها- ایران.
الف. حبیبی، سیدمحسن، ۱۳۲۶. مقدمه نویسی. ب. پازوکی، شهرام، ۱۳۳۵. مقدمه نویسی.
ج. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران. سازمان چاپ و انتشارات. د. فرهنگستان هنر جمهوری
اسلامی ایران. ه. عنوان.

۳۰۷/۷۶

ش ۱۶/۵۱/۵۱ HT

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران

م ۸۳-۲۱۴۶۷

شهر و مدرنیته



City and Modernity

مرتضی هادی جابری مقدم

با مقدمه سید محسن حبیبی، شهرام پازوکی

تهران ۱۳۸۴



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شهر و مدرنیته

City and Modernity

نویسنده: مرتضی هادی جابری مقدم
با مقدمه سید محسن حبیبی، شهرام پازوکی

ویراستار: محمد مهدی عقابی
طرح جلد: حمیده انصاری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: [ب] سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ اول: بهار ۱۳۸۴
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

ح) تمامی حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۴۲۲-۷۵۶-۹

ISBN 964-422-706-9

چاپخانه، انتشارات و پخش:

کیلومتر ۲ جاده مخصوص کرج - نبش سه راه شبشه مینا - تهران ۱۳۹۷۸ ۱۵۳۶۱

تلفن: (چهار خطه) ۲۵۱۳۰۲۰۲ شماره: ۲۵۱۴۴۳۵

انتشارات: ۲۵۲۵۳۹۵ پخش: ۲۵۲۹۶۰۱ نمابر پخش: ۲۵۲۹۶۰۰

فروشگاه شماره یک:

خیابان امام خمینی - نبش خیابان شهید میردامادی (استخر) - تهران ۱۳۲۴۵ ۱۱۳۷۹ - تلفن: ۶۷۰۲۶۰۶

فروشگاه شماره دو:

نشر زلال - خیابان انقلاب - خیابان ۱۶ آذر - تهران ۳۵۸۱۲ ۱۴۱۷۹ - تلفن: ۶۳۱۹۷۷۸

فروشگاه شماره سه:

نشر کارنامه - خیابان شهید باهنر (تیاوران) - روبروی کاروانیه شمالی - شهر کتاب - تلفن: ۲۲۸۵۹۶۹

نشانی سایت اینترنتی:

WWW.PPOIR.COM

فهرست مطالب

نظم در کار، صرفه‌جویی در وقت را به شما خواهد آموخت.

«گوته»

۹	□ مقدمه
۱۳	□ حرف نخست
۱۹	□ جمله اول
۲۱	○ کلمه اول
۲۳	حرف ۱ - مدرنیته، مدرنیسم، مدرنیزاسیون
۲۹	حرف ۲ - روح مدرنیته
۴۰	حرف ۳ - ماهیت سوژکتیویته
۵۱	○ کلمه دوم
۵۳	حرف ۱ - ویژگی‌ها
۶۴	حرف ۲ - نقد
۷۱	○ کلمه سوم
۷۳	حرف ۱ - بازآفرینی
۸۳	حرف ۲ - جامعه مدنی، آیین شهروندی

- ۱۰۱ □ جمله دوم
○ کلمه چهارم
- ۱۰۳
- ۱۰۵ حرف ۱ - اسفار سوژه
- ۱۳۴ حرف ۲ - اطوار ایزه
- ۱۴۹ □ جمله سوم
- ۱۵۱ ○ کلمه پنجم
- ۱۵۳ آنچه گذشت ...
- ۱۵۶ حرف ۱ - شرح شهر
- ۲۰۹ حرف ۲ - بازآفرینی شهر مدرن
- ۲۲۷ □ جمله چهارم
- ۲۲۹ ○ کلمه ششم
- ۲۳۱ حرف ۱ - سرزمین های جنوب
- ۲۵۹ حرف ۲ - خیال و واقع
- ۲۷۶ حرف ۳ - مدرنیته و شهر ایرانی
- ۳۱۱ □ جمله پنجم
- ۳۱۳ ○ کلمه هفتم
- ۳۱۵ حرف اول و آخر
- ۳۲۳ کتابنامه فارسی و انگلیسی
- ۳۳۹ نمایه

فهرست جداول

۴۷	جدول ۱ - تفاوت‌های اساسی انسان مدرن و انسان سنتی
۵۸ - ۵۶	جدول ۲ - ویژگی‌های مدرنیته و اثرات آن بر شهرسازی
۶۰ - ۵۸	جدول ۳ - پیامدهای مدرنیته در مقایسه با دوران پیش از مدرن
۱۲۷ - ۱۲۵	جدول ۴ - تحول نفس سوژه مدرن در شهر
۱۳۰ - ۱۲۸	جدول ۵ - تحول برون از نفس شهر مدرن
۱۴۷ - ۱۴۶	جدول ۶ - تحول شهر به مثابه ابژه مدون در مسیر مدرنیزاسیون
۱۵۹	جدول ۷ - تحول نسبت انسان و مکان
۱۶۵ - ۱۶۴	جدول ۸ - ویژگی‌های آرمان‌شهر فرهنگ گرایان و آینده‌گرایان
۱۹۰ - ۱۸۹	جدول ۹ - مقایسه ویژگی‌های جزئی شهرسازی و معماری مدرن و لیت مدرن و پست مدرن
۱۹۹	جدول ۱۰ - مقایسه شمار مشاغل در اثر تغییر وضعیت در شهرهای اصلی اروپا و امریکا
۲۰۱	جدول ۱۱ - مقایسه ویژگی‌های شهر زیبا و سبک بین‌الملل در شهرسازی
۲۱۵ - ۲۱۴	جدول ۱۲ - مقایسه ویژگی‌های شهر دوم و شهر دیگر
۲۲۰ - ۲۱۸	جدول ۱۳ - جست‌وجوی مشخصات تخیل مدرنیستی مصرف‌گرا و اثرات آن بر شهر
۲۴۹	جدول ۱۴ - گروه‌بندی طبقات اجتماعی اقتصادی شهری در ایران
۲۵۵ - ۲۵۲	جدول ۱۵ - نگاهی به وجوه اشتراک شهرسازی مدرن در سرزمین‌های جنوب
۲۷۳ - ۲۷۱	جدول ۱۶ - مقایسه روند تحول برون از نفس در سوژه و شهر میان کشورهای توسعه‌یافته و سایر کشورها
۲۸۷ - ۲۸۲	جدول ۱۷ - مقایسه ویژگی‌های شار با شهر قحجر
۲۹۸ - ۲۹۱	جدول ۱۸ - بررسی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی دوران پهلوی بر شهرسازی ایران در چهار مقطع زمانی

فهرست نمودارها

- نمودار ۱ - رابطه میان مدرنیته، مدرنیسم و مدرنیزاسیون ۲۷
- نمودار ۲ - اساس فلسفه در قرون وسطا ۳۱
- نمودار ۳ - سیر تحول ابژه در فرایند مدرنیزاسیون ۱۴۵
- نمودار ۴ - مقایسه عوامل مؤثر در روند مدرن شدن سرزمین های شمال و جنوب ۲۶۰
- نمودار ۵ - عصر تقابل ۲۸۰
- نمودار ۶ - مقایسه زمانی مدرنیزاسیون در غرب و در ایران ۲۸۹
- نمودار ۷ - تولید و بازآفرینی مدرنیته در عرصه شهرسازی مدرن. ۳۲۰-۳۱۹

مقدمه

گروهی بر این گمان‌اند که به هنگام ورود مدرنیت (نووارگی) به ایران در دوره قاجار، جامعه ایرانی در وضعیتی کاملاً ایستا قرار داشته و بدین سبب، این ورود نابهنگام، هم باعث فروپاشی رفتارها و هنجارهای اجتماعی شده و هم اینکه به قلب مفهوم نووارگی انجامیده است؛ حال آنکه بررسی و کاوش در آثار به جای مانده از این روزگار در همه زمینه‌ها - از شعر و نثر و موسیقی و نقاشی تا حجاری و معماری و حتی «شهرسازی» - نشان از آن دارد که ورود مدرنیت به ایران، همگام با دگرگونی‌های درون سری است که در جامعه در حال رخ دادن بوده است. به دیگر سخن، این ورود زمانی صورت پذیرفته است که جامعه خود در حال نو شدن بوده و نووارگی را طلب می‌کرده است.

باز گروهی را سخن بر این است که ورود نوگرایی (مدرنیسم) به ایران در سال‌های ۱۳۰۰ به بعد که همراه با دوره پهلوی در ایران می‌شود، نابهنگام رخ داده و هم از این رو، آنچه در ایران رخ داده، نه مدرنیسم، که شبه مدرنیسم است و بنابراین، هر آنچه رخ داده، آکنده از تقلید و ناهمزمانی است و عملاً به قلب نوگرایی انجامیده است. در این مورد نیز کاوش در آثار به جای مانده در همه

زمینه‌های منظوم و منثور، مصور و مجسم، معماری و شهرسازی و ... حکایت از تغییرات و دگرگونی‌های شگرف درونی می‌کند و قرائت و گویشی خاص ایرانی از نوگرایی و نوپردازی را ارائه می‌دهد.

در هر دو مقطع تاریخی ورود نووارگی (مدرنیته) و نوگرایی (مدرنیسم) به ایران، ما با جامعه‌ای مواجه‌ایم که میل به نوپردازی (مدرنیزاسیون) دارد. گرچه به نظر می‌رسد که این کار از بالا صورت می‌گیرد، خواست‌ها و مطالبات از پایین نباید از یاد برده شود. آنچه در این میان فراموش می‌شود، نقش «فاوستی» یا «فاوست گونه‌ای» است که دولت‌ها بر عهده دارند. دولت‌ها چون فاوست بر آن‌اند که هر آنچه را که متعلق به دوران گذشته است، برهم زنند و جهانی دیگر و نو برپا دارند. و هر دولتی نیز با توجه به اطرار زمانه و خود، بر آن است که از رؤیایی و شیفتگی مربوط به گذشته تاریخی دست بردارد و در قالب «توسعه گر» به ایفای نقش پردازد. در اجرا و ایفای این نقش است که می‌توان جریان نووارگی، نوگرایی و نوپردازی کشور را مورد بحث و جدل قرار داد. خالی از تعصبات و تأثرات سیاسی است که می‌توان به داوری آنچه رخ داده یا رخ می‌دهد، نشست و نقش توسعه‌گری دولت‌ها را مورد تحلیل قرار داد و در این فراغت است که می‌توان به قرائت و گویش ایرانی و بومی از نووارگی، نوگرایی و نوپردازی نزدیک شد، آن را باز شناخت و تفسیر کرد. به نظر می‌رسد که کتاب حاضر - شهر و مدرنیته - در پی پاسخگویی به چنین شناخت و تفسیری است. از اوصاف متمایز این کتاب، ورود فلسفی و نظری به موضوع شهر است که نووارگی، نوگرایی و نوپردازی را از دیدگاه فلسفی و نظری مورد بحث و کاوش قرار می‌دهد. معمولاً در روزگار ما رسم است که در طرح مسائل علمی فقط به خود آن مسئله بدون توجه به مبادی و اصولی که آن مسئله علمی فقط یکی از اجزا و مصادیقش می‌شود، بپردازیم. این جزه‌نگری البته فواید خاص خویش را دارد و موجب می‌شود که اطلاعات بیشتری درباره موضوع کسب شود؛ ولی یک عیب کلی و اساسی دارد، و آن اینکه فهم ما را از موضوع ناقص و بلکه منحرف می‌گرداند. هم از این روست که پیروان روش تأویلی (هرمنوتیک) تأکیدی مؤکد بر سیر از جزء به کل و از کل به جزء دارند.

از دلایل اصلی توجه نکردن به اصول و مبانی نظری این است که گفته می‌شود مباحث نظری مفید نیست و منجر به کاری خاص نمی‌گردد؛ بنابراین به چه کاری می‌آید و چه فایده‌ای دارد؛ حال آنکه از یاد برده می‌شود که طرح همین سؤال، مبتنی بر این نظر و نگرش فلسفی است که «حقیقت چیزی است که فایده عملی دارد». البته باید به یاد داشت که این معنا از حقیقت عمدتاً در فلسفه عمل‌گرایانه (پراگماتیسم) مطلوب است. شکی نیست که رواج تعریف عمل‌گرایانه از حقیقت در روزگاری که همه چیز باید متوجه به کسب فایده و سود عملی باشد، نامتعارف نیست و چه بسا خلاف آن نامتعارف به نظر برسد؛ ولی باید به یاد داشت که برای خردمندان و اصحاب نظر، حقیقت به معانی بسیار بالاتر از این معنا دلالت دارد.

کتاب حاضر - شهر و مدرنیته - در پی آن است که حقیقت را در مفاهیمی فراتر از فایده عملی جست‌وجو کند و هم از این رو ممکن است برای بعضی از اصحاب فن شهرسازی، «نظرپردازی» بی‌حاصل و بهبودی‌ای به نظر آید؛ ولی کسانی که متوجه اهمیت طرح مسائل نظری هستند، می‌دانند که مسائلی از قبیل موضوع این کتاب را نمی‌توان بدون طرح مبادی و اصول، عمیقاً درک کرد و فهمید.

از این حیث، کتاب حاضر می‌تواند مقدمه خوب و صریح و روشنی باشد برای کسانی که می‌خواهند در باب فهم شهر ایرانی و دگرگونی‌های آن در پس ورود نوآوری و اقدامات نوگرایانه و نوپردازانه گام بردارند. بی‌شک گام زدن در این مسیر پر از سنگلاخ - چه در قالب عینی و چه به صورت ذهنی - بس دشوار است؛ ولی به نظر می‌رسد کسانی که می‌خواهند به این فهم دست یابند، از ورود به این مسیر گریز و گزیری ندارند.

دکتر سید محسن حبیبی - دکتر شهرام پازوکی

حرف نخست

این طرح را من گام به گام توانستم بریزم.
آرزوی من این است.

«گونه»

بشر امروزی در پهنه کره خاکی و در سراسر ممالک در وجهی مشترک و خاص از حیات شهری به ایفای نقش می پردازد؛ حیاتی که از لحاظ ماهیت یکسان است و در زمان و مکان و فضای جهان جریان دارد و همین تجربه مشترک است که تمامی ما را با مدرنیته پیوند داده است.

شهر معاصر، پایتخت نفس سوژه است و محل نمایش تحول برونی آن. نفس سوژه مدرن با شهر ممزوج گشته و جلوه گاه روح حاکم بر زمانه شده است؛ مکانی که صور مختلف تخیلات انسان امروزی و حتی جنون جدید او در شرایطی ایده آل برای ابداع، تخریب و احیای مجدد ماهیت و معنای باطنی و عمیق این پدیدارها با هم رقابت می کنند. کالبد و ماهیت شهر معاصر، محصول این معنای باطنی و روح زمانه است، آنچه که تحت عنوان «مدرنیته» معرفی می گردد. در تعامل شهر و مدرنیته است که از یک سو شهر به مدد تحول برون از نفس سوژه مدرن به محلی برای تولید تجربیات گوناگون در زمینه شهرسازی بدل گشته و در مراحل مختلف خود مجاز و واقع را در هم آمیخته است و در جهانی تماماً مصنوع دست آدمی، زیستن در بطن افسانه و خیال مدرنیستی را

فراهم ساخته است و از سوی دیگر، به مکانی آرمانی برای تغذیه و غنای تخیلات سوژه مدرن بدل گردیده و از این راه، مدرنیته پی در پی با چهره‌ای نو و ماهیتی ثابت چونان بت عیار، شهر را به تماشا نشسته است. این چرخه میان آرمان ذهنی مدرنیته و آرمان عینی آن در شهر است که این اندیشه را قوام می‌بخشد.

(درک این مفهوم، مستلزم پرسش اساسی از گوهر هستی و جرایب مدرنیته است و با پرسش اساسی است که فکر فلسفی زنده می‌شود. اساساً اندیشه در جایی مجال بروز و ظهور می‌یابد که پرسشی اساسی مطرح باشد. پرداختن به این پرسش، هنگامی به بهترین وجه صورت می‌گیرد که اجازه دهیم مدرنیته آن گونه که فی‌نفسه هست، خود را نشان دهد و این معنا وقتی کامل‌تر می‌شود که توجه کنیم چنین نیست که واقعیتی خارجی و معین بیرون از ما وجود دارد و بعد بخواهیم آن واقعیت خارجی را در مقام چیزی مطلقاً غیر خودمان بشناسیم و با آن رابطه برقرار کنیم. به عکس، در اینجا باید بدانیم و بیاموزیم که ما خود جزء لاینفکی از آن واقعیت‌ایم. ما در درونش هستیم و با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم و امورمان را اداره می‌کنیم.)

چنین دیدگاهی، به شهر معاصر نقشی مرکزی داده است؛ نقشی که تماشاگر آن کل جهان است. این موضوع، طنین و عمق خاصی به آنچه در شهر انجام ساخته می‌شود، بخشیده است. توسعه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، صرفاً برای رفع نیازهای آنی نیست؛ بلکه بیشتر اثبات قدرت سازندگی سوژه‌های مدرن مدنظر است؛ یعنی نمایش اینکه چگونه می‌توان زندگی شهری مدرن را در قالبی جدیدتر تصور و تجربه کرد. و این خواست ذاتی مدرنیته، قوه نقد و بازاندیشی است که باعث می‌گردد سیل قدرتمند مدرن و مدرن‌تر شدن، شهر و برنامه‌های توسعه شهر و منطقه را درنوردد؛ جدالی بی‌پایان میان آنچه دیروز با تصویری سخت و استوار ساخته شده و آنچه امروز آن را دود می‌کند و به هوا می‌فرستد. محل این جدال، شهر است؛ عرصه‌ای که کم‌دی عشق و تراژدی قدرت با هم درمی‌آمیزند و هر روز معانی جدیدی بر شاخه‌های درخت تنومند فرهنگ شهری می‌روید و فردا فرو می‌افتد.

دود شدن و به هوارفتن و تخریب‌های پی درپی و تغییر ارزش‌ها، ویژگی ذاتی همزاد مدرنیته یعنی اقتصاد مدرن و نظام سرمایه‌داری است. در چرخه‌ای که از این همراهی نشأت می‌گیرد، هر آنچه را که خود خلق می‌کند، اعم از کالبد شهر یا نهادهای اجتماعی شهری یا ایده‌ها و افکار گوناگون یا تصاویر و تخیلات هنری و حتی ارزش‌های اخلاقی، همه و همه را نابود می‌کند؛ آن‌هم به منظور خلق بیشتر و ادامه‌ی فرایند بی‌پایان نقش‌آفرینی مدرنیته در خلق مجدد شهر.

این کشش ذاتی، همه‌انسان‌های معاصر را به درون مدار خود کشیده و ما را به اجبار با این پرسش درگیر ساخته است که این چرخه گرداب‌وار که در آن زندگی و حرکت می‌کنیم، از لحاظ معنا و ماهیت چیست و ذات و اساس آن کدام است؟ مدرنیته در مرکز این چرخه توانسته این جریانات اساسی را از بطن محیط مدرن یعنی شهر جاری کند و به زندگی انسان مدرن شکل و جان مورد نظر خود را ببخشد.

تلاش من در این نوشتار، معطوف به دریافتی نسبتاً کامل و روشن از این موضوع مرکزی یعنی مدرنیته بوده است؛ اگرچه مدرنیته خود موقعیتی ناآرام و دست‌نیافتنی ایجاد می‌کند. درک ماهیت مدرنیته، به فهم مدرنیسم و مدرنیزاسیون‌های مختلف شهری می‌انجامد که ابتدایی‌ترین حلقه از این چرخه را تشکیل می‌دهد؛ حلقه‌ای که من و بسیاری از مردمان گرداگردم را به آنچه هستیم، بدل کرده است.

این تلاش، یک‌بار با توجه و دقت در مبانی اندیشه مدرن و فلسفه غرب، راه خود را از میان اصل سوژکتیویته و ویژگی نقد باز می‌کند و بار دیگر در پی یافتن اصولی ثابت از لابه‌لای متون شاهکار مدرنیست‌های اولیه برمی‌آید. در این میان، کنکاش کارل مارکس در کالبدشکافی نظام سرمایه‌داری چنان قابل توجه است که ذهن آدمی را در دستیابی به اصول ثابت تحولات شهر مدرن در نگاه ایزه‌گونه به آن، به وجد و نشاط وامی‌دارد. از سوی دیگر، رهیافت یوهان ولفگانگ فون گوته به موضوع مدرنیته، ما را در مسیر تحول برون از نفس سوژه و شهر مدرن به اصولی راهنمایی می‌کند که ثبات و استمرار آن در عرصه شهر متعجب‌مان می‌سازد.

در حقیقت با معرفی این اصول و ساماندهی آن، دستیابی به هدف مورد نظر - شناخت چرخه مذکور - عملی گردیده است؛ چرخه‌ای که در عین گردش مستمر در زمان حال، رو به آینده دارد. ارتباط دوسویه میان حلقه‌های مختلف در این چرخه، باعث استحکام ماهیت مدرنیته شده است؛ ارتباط دوسویه‌ای که به بروز شدت یافته امکانات، خطرات، وسوسه‌ها و بن‌بست‌های بنیادین حیات شهر معاصر انجامیده و به مثابه منبع اساسی غنی‌سازی و تقویت رؤیاهای مدرنیستی در شهر، به ایفای نقش می‌پردازد. آشنایی با فلسفه وجودی مدرنیته و نگاه از بالا به این چرخه پرتلاطم و ویران‌کننده و نگاه از این منظر به مسائل شهرسازی معاصر می‌تواند ما را به تعادل و حضوری آگاهانه در زمان و مکان رساند و طرح‌ها و برنامه‌های ارائه‌شده را به طرح‌های آگاهانه و منعطف بدل کند و شهر را به مثابه یک مسئله در فرایندی تحلیلی مورد توجه قرار دهد. در این صورت، ذهنیت شهر با ذهنیت برنامه‌ریزان و ذهنیت مردم قرابت می‌یابد و فضای شهری، معنای حقیقی خود را به دست می‌آورد. سعی من در پرداختن به چنین نگاهی، در این کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

بر دانش‌آموزی نورسته چون من وظیفه است که در این نخستین قدم، شرط ادب را به جای آورم و قدردان اساتید بزرگوار خود در گروه شهرسازی دانشگاه تهران باشم. جبران کاستی‌ها و اصلاح مسیر این تحقیق، حاصل همراهی و راهنمایی و پیگیری معلم و استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر سید محسن حبیبی بوده است. لطف بی‌اندازه ایشان و استاد محترم جناب آقای دکتر شهرام بازوکی در تزیین این کتاب به مقدمه ارزشمند خویش، این شاگرد را رهین منت ساخته است.

در نهایت، تشکر خالصانه خود را از رئیس محترم فرهنگستان هنر، جناب آقای مهندس میرحسین موسوی و سردبیر محترم فصلنامه خیال، جناب آقای مهندس مهرداد قیومی که طبع این کتاب با نظر مساعد و عنایت ایشان فراهم گردید، اعلام می‌دارم.

بی‌تردید، این نوشتار همچون یک مشق دانشگاهی، خالی از اشکال نیست و

من بی صبرانه منتظر نقدها و نظریات اساتید، صاحب نظران، حرفه‌مندان و خوانندگان عزیز و محترم هستم.

دی ماه هزار و سیصد و هشتاد دو

مرتضی هادی جابری مقدم

www.ketab.ir